

زندگی‌نامه مختصر زنده یاد رسول جرأت که توسط محترم حلیم پیکار یک تن از هواداران (ساما) در کانادا، به تاریخ نهم جولای سال ۲۰۱۷ میلادی در محفل گرامیداشت از روز شهدا، پیشکش حاضرین گردید:

## رسول جرأت مبارز نامدار و پر آوازه

رسول جرأت زادگاهش شهراندخوی است. در افق رنگین یکی از روز های سال ۱۳۲۸ خورشیدی در خانواده "جوره قل" در شهر اندخوی که بیهقی در تاریخ اش، این شهر را بنام " اندخود" می نامد، کودکی زاده شد که وی را «رسول» نامیدند.

گویی "جوره قل" می دانست که این نوزاد برای آن پا به پهنه هستی نهاده که رسالتی را به عهده گیرد و در برابر مظالم و بی عدالتی قد علم کند و سرافراز و شجاع بایستد و چاووشگر قافله سالاران مبارزه و تحول، در عرصه حیات اجتماعی مردمان این سر زمین گردد.

زنده یاد رسول جرأت، آموزش های ابتدایی را در اندخوی کسب کرد و سپس به لیسه باختر مزارشریف ثبت نام کرد و در سال ۱۳۴۸ ش از لیسه باختر فارغ التحصیل گردید.

شهید جرأت از همان دوران صباوت و نوجوانی روح بیقراری داشت که آرام نمی گرفت و پیوسته در تلاش دانش اندوزی بیشتر و شناخت بهتر از جهان و زندگی بود.

کتاب خوان خستگی ناپذیری بود که در طول سالیان بعد، این خصلت ارجمند او، وی را به پژوهشگر توانا و متفکر شکیبایی مبدل ساخت و رساله پایان تحصیلی او، شاهد این مدعاست.

آنچه از آثار ادبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... بدستش می رسید، مانند تشنه یی که به آب رسیده باشد بلادرنگ می نوشید و عطش اش سیراب نانشدنی بود.

آثار شاعران، نویسندگان و متفکرین جهان را و همچنان نویسندگان منطقه و افغانستان را مطالعه می کرد.

رسول جرأت قبل از آنکه جریان شعله جاوید پدید آید، فرد مبارز و سیاسی بود. پس از سال ۱۳۴۷ و ایجاد شعله جاوید بدان پیوست و از فعالین این جریان بود. اما وی از اعضای سازمان جوانان مترقی نبود و تا پایان نیز به این سازمان نه پیوست.

رسول جرأت از پیگیران نستوه سیاسی و سخنران عالی و خطیب زبر دست بود که درسرايش و خوانش اشعار و سروده های انقلابی و میهنی، استعداد شگرفی داشت.

اشعار را با احساسات عالی و تاثیر گذار دکلمه میکرد که تا هنوز بازماندگان آن دوران، خاطراتی از سخنرانی های وی را بیاد دارند.

رسول جرأت سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ خورشیدی را مشغول تحصیل در دارالمعلمین عالی قندهار بود و پس از آن در سال ۱۳۵۵ ش شامل فاکولته ادبیات دانشگاه کابل شد و پس از آن که در سال ۱۳۵۶ ش از دانشگاه کابل فارغ التحصیل گردید به شغل مقدس آموزگاری روی آورد و بحیث استاد در دارالمعلمین ولایت فاریاب، عازم شهر میمنه گردید.

در میمنه حلقه دوستان و علاقه مندان وی گسترش یافت و او با کار خستگی ناپذیر سیاسی و فرهنگی، بسیاری از روشنفکران را به سیاست و مبارزه در اندخوی، میمنه، مزارشریف، شبرغان، آقچه تا سمنگان و تخار جلب و جذب کرد.

بسیاری از مبارزان این مناطق، محصول کار سیاسی و مبارزاتی اویند.

زنده یاد رسول جرأت در سال های اختلافات و دسته بندی جریان شعله جاوید در سال ۱۳۵۱ خورشیدی روابط خود را با این جریان قطع نموده بود تا این که کودتای منحوس ثور ۱۳۵۷ به وقوع پیوست و وی بخاطر تاسیس سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) دست بکار شد و گروپ های جدا شده از شعله جاوید و سازمان جوانان مترقی را به فراهم آیی فرا خواند که در تشکل (ساما) سهم بسیار جدی داشت.

جرأت به همین باور که توده های میلیونی مردم بار اصلی مقاومت را بدوش می کشند و باید در تمام پروسه های اجتماعی نقش فعال و بلا واسطه داشته باشند، به برنامه (ساما) پیوست.

جرات میدانست که تفاوت های ملیتی- نژادی، سمتی و قومی نمی تواند زحمتکشان جامعه را در مبارزه برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی- از هم جدا کند. اوستم ملی را از مبارزه با استعمار و امپریالیسم جدا نمی دید.

رسول جرات عضو کنفرانس موسس سازمان آزادیبخش و همچنان عضو کمیته مرکزی (ساما) انتخاب شده بود در عین حال عضویت کمیته تشکیلات (ساما) را نیز به عهده داشت.

در بستر داغ فعالیت های تشکیلاتی که تلاش شباروزی را می طلبید، این مبارز نستوه تحت پیگرد رژیم و دم و دستگاه مزدور حزب دموکراتیک " خلق" قرار گرفت که در اثر افشا شدن جا و محل در چهل ستون کابل، رسول جرات و سایر یاران به شمول دیگر موسسین (ساما) و اعضای کمیته مرکزی و اعضای کمیته نظامی، مانند جاویدان یاد حسین طغیان، از ولایت لغمان، استاد عزیز اوریخیل مشهور به شریف از ولسوالی پغمان ولایت کابل و از موسسین (ساما)، داود سرمد شاعر انقلابی و توانای کشور از موسسین (ساما) از ولسوالی قریباغ کابل، فقیر مشهور به رفیق حنیف عضو کمیته نظامی (ساما) از ولسوالی کلکان ولایت کابل، زنده یاد انجینر عزیز واحدی از ولایت لغمان و جاویدان یاد انجینر داود منگل از ولایت لغمان جمعا هفت نفر در روز سه شنبه نهم سرطان ۱۳۵۸ خورشیدی دستگیر شدند و پس از شکنجه های شدید و توصیف ناپذیر و مقاومت جانانه آنها، این گروه عاشقان وطن و مردم، از طرف مزدوران روس تحت نظر اسدالله سروری در دوره حفیظ الله امین جلاد تیر باران و برای همیشه به جاودانگی پیوستند.

یاد شان گرامی و راه شان پر رهرو باد!